



comparative study of the three duties of care, skill and reasonable diligence for directors of commercial companies in English and Iranian law

Hamid Abhari ¹, Seyedeh Tahereh Mosavi Khatri ², Omolbanin ramzanzadeh badeli ³

1. Professor Department in Private Law, University of Mazandaran, babolsar, Iran, (Corresponding Author), Email: hamid.abhary@gmail.com

2. PhD Candidate in Private Law, Faculty of Law & Political Sciences, University of mazandaran, babolsar, Email: s.mosavikhatir02@umail.umz.ac.ir

3. Assistant Professor in Department of Private Law, University of Mazandaran, babolsar, Iran, Email: oramzanzade@yahoo.com

Abstract

Received: 2024/07/20
Revised: 2024/10/05
Accepted: 2024/12/18
Published online: 2025/09/23

In English law, by writing the general duties of commercial companies directors in the Companies Act of 2006, A more transparent law was established, which has made easier access possible for all people. One of the most important duties that was paid attention to in this law is the requirement of directors to have skill, care and diligence in managing the affairs of the company. On this basis, in this research, In a comparative way and by relying on the analytical descriptive method, examine this issue in English law as one of the advanced legal systems with Iranian laws. Finally, we concluded that although there are some signs of these issues in the scattered rules and laws of Iran, the legal gap cannot be denied and legal and jurisprudential laws cannot fill the existing legal gap. Therefore, the necessity to compile and formulate comprehensive laws in relation to this duty and assigning an independent title to it in the commercial law, Like many advanced legal systems especially for aligning with international trade laws is strongly felt.

Keywords: diligence, care, skill, director, commercial companies.

How To Cite: Abhari, A; Mosavi Khatri, T & ramzanzadeh badeli, O. (2025). comparative study of the three duties of care, skill and reasonable diligence for directors of commercial companies in English and Iranian law, *Comparative studies on Islamic and Western Law*, 12 (3), 1-28. <http://www.doi.org/10.22091/csiw.2024.11050.2566>

Published by: University of Qom

©The Author(s)

Article type: Research



مطالعه تطبیقی سه وظیفه مراقبت، مهارت و کوشش معقول برای مدیران شرکت‌های تجاری در حقوق انگلیس و ایران

حمید ابهری^۱، سیده طاهره موسوی خطیر^۲، ام‌البنین رمضان زاده بادل^۳

۱. استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابل، ایران، (نویسنده مسئول)، رایانامه: h.abhari@umz.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابل، ایران، رایانامه: s.mosavikhatir02@umail.umz.ac.ir
۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابل، ایران، رایانامه: oramzanade@yahoo.com

چکیده

در حقوق انگلیس با مدون نمودن وظایف عمومی مدیران شرکت‌های تجاری در قانون شرکت‌های ۲۰۰۶، قانونی شفاف‌تر تنظیم گردید که دسترسی آسان‌تر را برای اشخاص امکان‌پذیر ساخته است. از مهم‌ترین وظایفی که در این قانون به آن توجه گردید، الزام مدیران به داشتن مهارت و مراقبت و کوشش در اداره امور شرکت است. بر همین اساس در این پژوهش، به‌صورت تطبیقی و با تمسک به روش توصیفی تحلیلی به بررسی این موضوع در حقوق انگلیس به‌عنوان یکی از نظام‌های حقوقی پیشرفته با حقوق ایران پرداخته شد. نهایتاً قائل بر آن شدیم که اگرچه در قواعد و قوانین پراکنده موجود در حقوق ایران، می‌توان نشانه‌هایی از این موضوعات را مشاهده کرد، اما خلأ قانونی در خصوص آن قابل انکار نبوده و قوانین حقوقی و فقهی نمی‌توانند خلأ قانونی موجود را پر نمایند. لذا ضرورت تدوین و وضع قوانینی جامع در ارتباط با این وظیفه و تخصیص عنوانی مستقل برای آن در قانون تجارت، همانند بسیاری از نظام‌های حقوقی پیشرفته، خصوصاً برای همسو گردیدن با حقوق تجارت بین‌الملل به شدت احساس می‌گردد.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۴/۳۰

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۳/۰۷/۱۴

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۹/۲۸

تاریخ انتشار برخط:

۱۴۰۴/۰۷/۰۱

کلیدواژه‌ها: کوشش، مراقبت، مهارت، مدیر، شرکت‌های تجاری.

استناد: ابهری، حمید؛ موسوی خطیر، طاهره و رمضان زاده بادل، ام‌البنین (۱۴۰۴). مطالعه تطبیقی سه وظیفه مراقبت، مهارت و کوشش معقول برای مدیران شرکت‌های تجاری در حقوق انگلیس و ایران، *آموزه‌های حقوق کیفری کشورهای اسلامی*، ۱۲ (۳)، ۱-۲۸. <http://www.doi.org/>

10.22091/csiiv.2024.11050.2566



نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم

مقدمه

در جوامع اقتصادی نوین نقش برجسته‌ای برای مدیران به‌عنوان برنامه‌ریزان، اداره‌کنندگان (هاشمیان و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶۲) و رکن کلیدی نظام راهبری شرکتی در نظر گرفته شده است، نقشی که طیف وسیعی از اقدامات نظارتی، هدایتی، استراتژیک و کنترلی را در بر می‌گیرد (پاسبان و فرهانی، ۱۴۰۱: ۲۰۵). ازاین‌رو، به منظور انجام هر چه بهتر اقدامات موصوف بر رعایت برخی مصلحت‌ها^۱ و وظایف توسط مدیران شرکت تأکید گردیده است. در حقوق انگلیس، این وظایف با هدف افزایش وضوح قانون و سهولت تشخیص مسئولیت مدیران در قبال سایرین و جلوگیری از تقلب و سوءمدیریت در اداره امور شرکت در قانون شرکت‌های مصوب سال ۲۰۰۶^۳ به صورت مدون در آمد (Alcock, 2009: 1). به موجب این قانون هرگونه عدم رعایت مصلحت شرکت و شرکا و فریبکاری و یا عدم مهارت و دقت و حتی کوشش معقول مدیر شرکت که خلاف اصول درستکاری و صداقت باشد موجب مسئولیت مدیر شرکت تجاری خواهد گردید (حسینی، ۱۳۹۵: ۱۴۶). لذا مدیران در اداره امور شرکت باید با صداقت،^۴ وفاداری^۵ و امانت‌داری همراه حسن‌نیت^۶ اقدام نموده و همچنین در انجام وظایف خویش و جهت ارتقای موفقیت شرکت مهارت^۷ داشته و با مراقبت^۸ و کوشش^۹ معقول نسبت به انجام وظایف و تکالیف خویش اهتمام ورزند (D Cordt, 2009: 42 and Suhel miah, 2015: 1-14 and Zhao, 2014: 141).

1. Expediency

۲. مصلحت در لغت به معنای صواب و شایستگی آمده است (دهخدا، ۱۳۲۵: ۵۷۸/۴۵). در فقه اهل سنت و خصوصاً فقه امامیه، عنصر مصلحت از دیرباز مورد توجه فقها بوده است به طوری که احکام یا متعلقات احکام را پیرو مصلحت‌ها و مفسده‌های نفس‌الامری می‌دانند و در بسیاری از فتاوی و برداشت‌های خود از آن بهره‌مند گردیده‌اند (رستمی نجف‌آبادی، ۱۴۰۱: ۹۹).

3. Companies Act 2006

4. honesty

5. loyalty

6. fiduciary duties of good faith

7. skills

8. care

9. diligence

مهم‌ترین اموری که باید مورد توجه مدیران قرار گیرد، تکلیف ایشان به مراقبت، مهارت و کوشش معقول در اداره امور شرکت،^۱ به‌عنوان یکی از سنگ‌بناهای مقررات حاکمیت شرکتی است (Golding, 2012: 267). در برخی از نظام‌های حقوقی این سه وظیفه را گرچه ممکن است هرکدام معنای مفهومی خاص خود را داشته باشند، به‌صورت خلاصه وظیفه «مراقبت و مهارت» یا «وظیفه مراقبت» می‌نامند،^۲ (Corkery, 1987: 131). در این پژوهش نیز این سه وظیفه را به اختصار وظیفه مراقبت می‌نامیم. وظیفه اعمال مراقبت، مهارت و کوشش معقول^۳ که می‌توان آن را در عین تضاد، همسو با قاعده «قضاوت تجاری»^۴ دانست از این ایده ناشی می‌شود که قانون شرکت باید بین نیاز به مسئولیت‌پذیری مدیر و نیاز به اجازه دادن به مقدار معینی از ریسک‌پذیری کارآفرینی تعادل برقرار کند. قانون باید مسئولیت معینی را از سوی مدیران بخواهد و از سوی دیگر، خلاقیت و ابتکار نباید از بین برود، زیرا آن‌ها ستون‌های سرمایه‌گذاری تجاری شرکت‌ها هستند (Roach, 1999: 4). بااین‌حال، ریسک‌پذیری توسط مدیران شرکت باید به سطوح قابل قبولی از مصلحت‌سنجی در اداره امور شرکت محدود شود. وظیفه مراقبت، مهارت و کوشش وظیفه‌ای است بر عهده مدیران شرکت‌های تجاری که در سطح بین‌المللی و در حقوق کشورهای مختلف همانند انگلیس، استرالیا، آمریکا و آفریقای جنوبی مورد توجه قرار گرفته است و در حقوق ایران نیز در برخی پژوهش‌ها به‌صورت مختصر به آن اشاره و به‌صورت خلاصه در کنار سایر وظایف عمومی مدیران، به معیارهای سنجش آن اشاره‌ای گذرا شده است (پوررضائی و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۶۱-۱۶۲؛ خواجه‌ای و دیگران، ۱۴۰۳). بااین‌حال در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها، این وظیفه به‌صورت مستقل و جامع بررسی نشده است و اشاره دقیقی به علل توجه به این وظیفه، خلأهای قانونی فقدان این وظیفه در قانون تجارت ایران،

۱. «مراقبت» به معنای توجه نشان داده شده به منظور جلوگیری از آسیب یا خطا است. «مهارت» به دانش افراد اشاره و به معنای توانایی انجام کاری خوب است، به ویژه به این دلیل که فرد آن را یاد گرفته و تمرین کرده است (Longman Dictionary of Contemporary English, 2005: 1547). «کوشش» نیز به معنای «سخت کار کردن» در عین «دقت و دقیق بودن» است (Ibid, 436). همچنین اصطلاحی است که معادل وظیفه شناسی و توجه است (Davies, 2007: 38). البته ظاهراً «کوشش» معنایی شبیه به ترکیب «مراقبت» و «مهارت» دارد و برای تأکید به کار می‌رود. شاید همین امر دلیل غفلت برخی از مفسران و حتی قضات در تفسیر این اصطلاح را توضیح دهد.

۲. به‌عنوان مثال در ماده ۳۰۸ قانون شرکت‌های نیجریه مصوب ۲۰۲۰ این سه وظیفه بصورت خلاصه؛ وظیفه مهارت و دقت نامیده شده است. <https://www.cac.gov.ng/wp-content/uploads/2020/12/CAMA-NOTE-BOOK-FULL-VERSION.pdf>

۳. به این وظیفه در قوانین کشورهای مختلف همانند ماده ۱۸۰ قانون شرکت‌های استرالیا مصوب ۲۰۰۱ و ماده ۴۸ قانون شرکت‌های چین مصوب ۲۰۰۵ اشاره گردیده است.

4. business judgment rule.

معیارهای سنجش این وظیفه و راه‌حل‌های رفع مسئولیت مدیران نشده است. علاوه بر این، توجه به این نکته مهم ضروری است که دنیای تجارت جهانی شده است و نیاز مبرمی به ایجاد یک رژیم نسبتاً یکسان و مشابه در خصوص موضوعات مرتبط با مدیران وجود دارد. لذا در کشوری مانند ایران که تلاش می‌کند قوانین شرکتی خود را برای مطابقت با استانداردهای بین‌المللی به‌روز کند، مهم است که از تجربیات سایر کشورها در این زمینه بهره‌مند گردد و خلأهای قانونی موجود را شناسایی و رفع کند.

بر همین اساس این پژوهش پس از بررسی این تکلیف مهم و اشاره دقیق به پیشینه تاریخی، رویه قضایی و عوامل مؤثر در پذیرش معیارهای این وظیفه در حقوق انگلیس، به‌عنوان یکی از نظام‌های پیشرو که این مهم را به‌صورت مدون درآورده است، درصدد پاسخ به این پرسش‌ها است که مصادیق وظیفه مراقبت را در کدام مواد قانون تجارت ایران می‌توان یافت؟ علت لزوم توجه به این تکلیف و خلأهای قانونی آن چیست و چگونه می‌توان این خلأها و نواقص را رفع نمود؟ در صورت توجه قانون‌گذار به این تکلیف مهم، معیار سنجش آن و راه‌حل‌های رفع مسئولیت مدیران چیست؟ لذا جهت مطابقت قوانین شرکتی ایران با استانداردهای بین‌المللی و استفاده از تجربیات سایر کشورها در این زمینه‌ها و رفع خلأهای قانونی موجود، در این مقاله ابتدا به تکلیف مدیران به مراقبت، مهارت و کوشش معقول در حقوق انگلیس اشاره شده و سپس به بررسی این موضوع در حقوق ایران پرداخته می‌شود و پیشنهادهایی جهت رفع خلأها و تسهیل نهادینه کردن این مهم در قانون تجارت ایران ارائه می‌گردد.

۱. لزوم مهارت و مراقبت و کوشش مدیران در حقوق انگلیس^۱

۱. در حقوق انگلیس وظیفه مراقبت بر مبنای غفلت و بی‌احتیاطی (Negligence) بنا گردیده است. غفلت و بی‌احتیاطی در حقوق کاملاً به مفهوم خودداری از انجام کاری است که انسانی متعارف و معقول در آن شرایط انجام می‌داد و نیز انجام کاری که انسانی معقول و متعارف در آن شرایط انجام نمی‌داد (Murisa Mupangavanhu, 2016: 28-29) و تقریباً معادل تقصیر در حقوق نوشته است. در دعوی جبران خسارت بر اساس بی‌احتیاطی (تقصیر) ابتدا باید ثابت شود خوانده یک تعهدی نسبت به خواهان داشته است که فرد مقصر در خصوص لزوم اعمال مراقبت منطقی، این تکلیف را نقض کرده است. به این معنا که اشخاص باید مراقبت منطقی اعمال کنند تا بدین‌وسیله از فعل یا ترک فعلی که به طور منطقی پیش‌بینی می‌کنند به دیگران آسیب می‌رساند، جلوگیری کنند (امینی و محمدنژاد، ۱۳۹۱: ۱۰).

تکلیف مدیران به مهارت، مراقبت و کوشش؛ ریشه در کامن‌لا داشته است که از طریق دکترین سابقه قضایی^{۲۱} به یک منبع رسمی قانون تبدیل شدند. در حقوق عمومی انگلیس، توجه به این وظایف در دو مرحله، قبل از سال ۱۹۸۶ و پس از سال ۱۹۸۶ تدوین شده است و در هر مرحله، با استانداردهای معینی، رعایت این سه وظیفه اساسی مشخص می‌گردد.

۱-۱. لزوم مهارت و مراقبت و کوشش مدیران قبل از سال ۱۹۸۶

به رسمیت شناختن وظیفه مراقبت و مهارت مورد نیاز مدیر یک شرکت تجاری قبل از قانون‌گذاری، توسط دادگاه‌های انگلیسی آغاز و ریشه در کامن‌لا دارد. لذا برای تبیین ریشه تاریخی توجه به این وظایف و مصالح، باید به آرای صادره در دادگاه‌ها توجه نمود که در ذیل به برخی آرای صادره مهم اشاره خواهد شد.

رأی صادره در پرونده (Re City Equitable Fire Insurance Co)^۳ در سال ۱۹۲۵، از مهم‌ترین آرای بود که برای مدت طولانی در حقوق کامن‌لا مرجع قضات در صدور آراء تلقی می‌گردید. در این پرونده دادگاه استیناف مدیران و حسابداران شرکت را به دلیل اینکه تشخیص داد که آن‌ها در انجام وظایف خویش مرتکب سهل‌انگاری فاحش نگردیدند، تبرئه نمود (H.Farrar, 2011: 747). چراکه بر اساس کامن‌لا، سهل‌انگاری معمولی به تنهایی برای مسئول دانستن مدیران به دلیل نقض وظیفه مراقبت کافی نبوده (Chrysostome & Vincent Chimuka, 2014: 72) و مدیران قرن نوزدهم فقط در قبال خطاهای فاحش، مسئول شناخته می‌شدند (Mupangavanhu, 2016: 63). در این پرونده، قاضی رومرجی، به این نتیجه رسید که یک مدیر در اجرای وظایف خود، نیازی به نشان دادن مهارتی بیشتر از آن چیزی که معقولانه از فردی با دانش و تجربه او انتظار می‌رود، ندارد^۴ (B.Potter, 1971: 333). بسیاری از تصمیمات در پرونده‌های مشابه دیگر در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم نیز موضع مشابهی همانند پرونده فوق‌الذکر اتخاذ نمودند (Riley, 1946: 32-40).

1. stare decisis

۲. این اصطلاح یک اصل حقوقی است که دادگاه‌ها را به پایبندی به احکام صادره قبلی (یا احکام صادره از دادگاه‌های بالاتر) در حین حل پرونده‌های مشابه ملزم می‌نماید (T.Evans, 1946: 32-40).

3. Re City Equitable Fire Insurance Co Ltd [1925] Ch 407 at 429

4. <https://www.studocu.com/row/document/united-international-university/corporate-law/corporate-law-cases/8878784>

1999: 697. به عنوان مثال، در پرونده *Re Cardiff Savings Bank (Marquis of Bute's Case)*^۱ در سال ۱۸۹۲، دادگاه انگلیسی مدیری را علی‌رغم اینکه در ۳۸ سال فقط یک بار در یک جلسه شرکت، مشارکت کرده بود، مسئول بی‌نظمی‌های خاص در عملیات وام‌دهی بانک ندانست. با این حال، همان‌طور که در پرونده *Dorchester Finance Co Ltd v Stebbing*^۲ نشان داده شده است چنین رویه‌ای امروزه در حقوق انگلیس رایج نیست.

۲-۱. معیار سنجش مراقبت و مهارت و کوشش مدیران تا قبل از سال ۱۹۸۶

آرای صادره در بالا به وضوح معیار شخصی برای مدیران در انجام وظایفشان را نشان می‌دهد که بر اساس آن مدیران فقط باید آن سطح از مراقبت و مهارت و کوششی را به کار می‌گرفتند که می‌توانستند. بنابراین، این بدان معناست که در صورتی که مدیران صادقانه به نفع شرکت عمل کنند و در حد توان خود نهایت تلاش خود را به عمل آورند، از وظایف قانونی مبری می‌گردند (Maharaj, 2015: 9-13).

در توجیه این معیار برخی گفته‌اند که دادگاه‌ها احتمالاً در صدور آرای خویش مدیران غیراجرایی را در ذهن داشتند نه مدیران اجرایی را. از سوی دیگر شاید، دادگاه‌ها نمی‌خواستند با محدود کردن مدیران، فعالیت‌های کارآفرینی را محدود کنند (Davies, 2007: 31-32, Davies & Worthington, 2012: 518). برخی نیز معتقد بودند که این نگرش دادگاه‌ها، از این باور ناشی می‌شد که اگر سهامداران مدیران بی‌خرد یا نالایق را منصوب نمایند، خودشان تقصیر نموده‌اند (Davies, 2003: 433). از نظر صلاحیت نیز یک مدیر برای تصدی پست مدیریت نیازی به داشتن شرایط خاصی ندارد. مدیران اعضای هیچ نهاد حرفه‌ای نیستند و بنابراین هیچ استاندارد نوعی مهارتی برای مدیران قابل اعمال نیست. علاوه بر این تدوین یک استاندارد نوعی واحد و یا قابل اعمال که بتواند برای همه مدیران اعمال شود دشوار است (Cassim and others, 2012: 555).

۳-۱. مراقبت و مهارت و کوشش مدیران پس از سال ۱۹۸۶

۱. در این مورد، مارکس بوته در شش ماهگی، به عنوان رئیس بانک کاردیف در هیئت مدیره منصوب شد. این شرکت زمانی که او ۳۸ ساله بود ورشکسته گردید. او در ۲۱ سالگی در جلسه هیئت مدیره شرکت کرده بود و صورتجلسه‌ای را امضا کرده بود، اما عموماً از امور شرکت بی‌اطلاع بود. علت ورشکستگی شرکت نیز کلاهبرداری مبالغه‌آمیز هنگفتی توسط مدیران از شرکت بود (Ramsay, 1992: 18).

۲. به موجب رأی صادره در این پرونده عدم مشارکت در فعالیت‌های شرکت و در نتیجه عدم کشف تخلفات مدیر عامل از سوی مدیران شرکت، سهل‌انگاری تلقی و موجب مسئولیت آن مدیران خواهد بود.

با گذشت زمان، از آنجایی که دنیای مدرن تجارت، انتظار استانداردهای بالاتری از مدیران دارد و مدیریت شرکت‌های تجاری نیز در حال تبدیل شدن به یک حرفه است، نسبت به آرای صادره و رویه دادگاه‌ها انتقاد کردند. با شروع تصمیم در پرونده *Dorchester Finance Co. Ltd v. Stebbing*^۱، معیار و استانداردهای دادگاه‌های کامن‌لا در خصوص مدیران شروع به تغییر کرد (Mupangavanhu, 2016: 68). این تصمیم قطعاً یک تغییر آشکار از موارد اولیه اواخر قرن نوزدهم و برخلاف تصمیم اتخاذ شده در پرونده *Re Brazilian Rubber Plantation and Estates* (Rubber Plantation and Estates) بود.^۲ تصمیمات اتخاذ شده به وضوح نشان می‌دهد که دادگاه‌ها شروع به بازنگری از تصمیمات گذشته خویش نمودند. مورد دیگری که انحراف قابل توجهی از موضع حقوقی رایج قبلی را نشان داد و قالب استاندارد کنونی را تعیین کرد، پرونده *Norman v. Theodore Goddard* است که به موجب آن طبق ماده ۲۱۴(۴) قانون توقف و اعسار مصوب ۱۹۸۶ در رابطه با تجارت غیرقانونی، استاندارد را که از مدیران در انجام وظایفشان انتظار می‌رود، به درستی بیان می‌کند. به موجب این ماده، یک مدیر می‌دانست یا باید به این نتیجه می‌رسید که هیچ چشم‌انداز منطقی برای اجتناب از انحلال و ورشکستگی وجود ندارد. بنابراین اگر مدیر، دادگاه را متقاعد نکند که هر گامی را که می‌بایست برای به حداقل رساندن ضرر احتمالی بستانکاران انجام می‌داد، انجام داده است، ممکن است به جبران خسارت وارده محکوم گردد.

۴-۱. معیار سنجش مراقبت و مهارت و کوشش مدیران پس از سال ۱۹۸۶

از آنجایی که قانون توقف و اعسار انگلیس در سال ۱۹۸۶^۳ به تصویب رسید، می‌توان این تاریخ را آغاز مرحله پذیرش معیارهای مراقبت نوعی و شخصی با هم، بر اساس آنچه معقولانه از یک متخصص در موقعیت خود انتظار می‌رود و با توجه به دانش، مهارت و تجربه‌ای که دارد (Mupangavanhu, 2016: 29) و همچنین بر اساس فرآیند تصمیم‌گیری و رفتار ایشان (Riley, 1999: 697) در نظر گرفت. استفاده از اصطلاح «یک فرد

۱. در این پرونده، شاکی که یک شرکت وام‌دهنده پول بود، دارای سه مدیر مطلع از امور حسابداری بود. به درخواست مدیر S، P و H چک‌های سفیدی را به نام شرکت امضا کردند که S را قادر می‌ساخت وام‌های بدون وثیقه به افراد و شرکت‌هایی که با آن‌ها ارتباط داشت بدهد که پس از عدم وصول وام‌ها از سه مدیر شکایت شد. سپس دادگاه مربوطه هر سه را مسئول دانست چرا که در انجام وظایف خود مهارت و دقت لازم را نشان نداده و از تجربه و صلاحیت حسابداری خود استفاده نمودند.

2. *Re Brazilian Rubber Plantation and Estate Ltd* [1911] 1 Ch, 425

۳. این پرونده نخستین تلاش واقعی دادگاه انگلیس برای تنظیم این اصول در رابطه با وظایف مدیران بود (Stevens, 2017: 5).

4. *Insolvency Act* 1986

معقول» به این معنی است که باید یک استاندارد نوعی را انتظار داشت. رأی دادگاه (Norman & Anor v Theodore Goddard & Ors; Re D'Jan of London Ltd)^۱ و، آنچه در بخش ۲۱۴ (۴) قانون توقف و اعسار انگلیس آمده است را تأیید می نمایند.

ماده ۱۷۴ قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ نیز با آنچه در قانون توقف و اعسار ۱۹۸۶ و پرونده‌های فوق‌الذکر، در تعیین استاندارد مراقبت مورد انتظار از مدیران بیان شده است، تفاوتی ندارد و با تصویب این ماده صرفاً آرای صادره در پرونده فوق‌الذکر از رویه قبلی که در بالا مورد بحث قرار گرفت، مدون گردید (Cabrelli, 2008: 26). بنابراین اکنون با استناد به ماده ۲۱۴ (۴) قانون توقف و اعسار و ماده ۱۷۴ قانون شرکت‌ها، تکلیف مدیران جهت رعایت مهارت، مراقبت و کوشش در اداره امور شرکت پذیرفته شده است و به موجب این قوانین:

۱. مدیر یک شرکت باید مراقبت، مهارت و کوشش معقولی را در اداره امور به کار گیرد؛
۲. این به معنای مراقبت، مهارت و کوششی است که توسط یک فرد نسبتاً سخت‌کوش به صورت‌های ذیل انجام می‌شود:

الف. دانش عمومی، مهارت و تجربه‌ای که به‌طور منطقی از شخصی که وظایف مدیریت را در رابطه با شرکت انجام می‌دهد، انتظار می‌رود (معیار نوعی)؛

ب. دانش عمومی، مهارت و تجربه‌ای که آن مدیر دارد (معیار شخصی).

بنابراین با بررسی حقوق انگلیس مشخص گردید که مدیران شرکت‌های تجاری ملزم به مراقبت، مهارت و کوشش معقول در اداره امور شرکت هستند؛ لیکن، واژه «معقول» یک اصطلاح بسیار مبهم است و برای تبیین آن باید دید که دادگاه‌ها به دلیل عدم صراحت ماده ۱۷۴، در عمل «فرد به‌طور منطقی کوشا» و همچنین چیزهایی را که «به‌صورت منطقی از افرادی که وظایف مدیریت را انجام می‌دهند انتظار می‌رود» چگونه تفسیر می‌کنند (Davies, 2007: 42).

۱. در این پرونده مدیر شرکت تغییری اشتباه در بیمه نامه امضا کرد. همین اشتباه کافی بود تا شرکت بیمه از مسئولیت شانه خالی کند. آقای D'Jan هنگام امضای فرم همانطور که در ماده ۲۱۴ (۴) قانون ورشکستگی ۱۹۸۶ آمده است، دقت و اهتمام منطقی نشان نداد و محکوم به پرداخت خسارت به شرکت گردید.

۲. ماده ۷۲۷ قانون شرکت‌های ۱۹۸۵ با ماده ۱۱۵۷ قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ جایگزین گردید.
<https://www.legislation.gov.uk/ukpga/2006/46/section/1157>

مهم‌تر از همه، تحمیل یک استاندارد نوعی لزوماً مستلزم این نیست که مدیریت به‌عنوان یک حرفه در نظر گرفته شود، زیرا دادگاه‌ها با توجه به دانش و مهارت و تجربه‌ای که شخص در کار خود دارد، احتمالاً آنچه معقول است در رابطه با مدیر تعریف می‌کند (Davies and Worthington, 2012: 520). با این حال، با توجه به پیچیدگی‌های شرکت‌های مدرن که در آن‌ها بسیاری از معاملات به‌طور هم‌زمان در مکان‌های جغرافیایی پراکنده انجام می‌شود، دادگاه‌ها نمی‌توانند در تفسیر معقول بودن مدیران، سخت‌گیرانه رفتار کنند. شایان ذکر است تقاضا برای استانداردهای بالاتر برای مدیران در انجام وظایفشان، منجر به این شد که مدیران و شرکت‌ها به دنبال راه‌حل‌هایی جهت سلب و کاهش مسئولیت مدیران باشند که در ذیل برخی از این راه‌حل‌ها بیان خواهد گردید. این دیدگاه که افرادی که واجد شرایط بالاتری هستند، متحمل مسئولیت‌های سنگین‌تری نیز خواهند بود، در درازمدت نتیجه معکوس دارد، زیرا ممکن است این افراد توانمند و واجد شرایط را از انتخاب این سمت منصرف کند (Roach, 1999: 3). البته به‌صورت برعکس چنین مدیرانی می‌توانند با افزایش «قیمت‌ها» یا قرارداد با شرکت برای بستن بیمه‌نامه از طرف آن‌ها عملاً تلافی کنند. البته در مقابل می‌توان گفت، مدیران با استناد به وظیفه حسن‌نیت^۱ مکلفند تمام شرایط و صلاحیت‌های ویژه‌ای را که دارند، در اداره امور شرکت و اجرای وظایف خویش به‌کار گیرند.

۵-۱. ضمانت اجرای نقض وظیفه مراقبت در حقوق انگلیس

اصل کلی در کامن‌لا این است که مدیران در انجام وظایف مراقبتی خود، مسئول غفلت و سهل‌انگاری (تقصیر)^۲ خویش هستند. این بدان معنی است که باید به میزان مسئولیت یک مدیر، در قبال خسارات ناشی از اقدامات خود، اعم از بی‌کفایتی یا بی‌احتیاطی^۳ توجه نمود. البته لازم به ذکر است که در سال‌های اخیر دادگاه‌ها رویکرد سختگیرانه‌تری نسبت به وظایف و مسئولیت‌های مدیران اتخاذ کرده‌اند (Maharaj, 2015: 13). بر اساس حقوق انگلیس، اگر مدیری از هر یک از وظایف خود تخلف کند، در گذشته دادگاه‌ها و اکنون سهامداران می‌توانند برای استیفای حقوق شرکت علیه مدیران متخلف، از طرف شرکت اقامه دعوی مشتق کنند (Farrar & Hannigan,)

۱. یکی از زمینه‌هایی که توجه خاصی به حسن‌نیت نشان می‌دهد، رابطه امانی است. به‌طورکلی یکی از ویژگی‌های بارز حقوق انگلیس، توجه محاکم این کشور به معقول و متعارف بودن احکام خود و پذیرش آن توسط وجدان جمعی جامعه است (حسینی و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۱).

2. negligence

3. incompetence or carelessness

435-440: 1998). در سال ۱۸۴۳ پرونده (Foss v Harbottle)^۱ مبانی قانونی اقدام دعوای مشتق را ارائه کرد. تعریف قانونی برای اقدام دعوای مشتق در ماده ۲۶۰ (۱) قانون شرکت‌ها ۲۰۰۶ شامل سه اصل اساسی است. در اولاً دعوا باید توسط یکی از اعضای شرکت اقامه شود؛^۲ ثانیاً دعوا در رابطه با تخلفی باشد که در شرکت مورد رأی‌گیری واقع گردیده^۳ و قبل از ادامه دعوای مشتق در دادگاه ابتدا تأیید دعوی دریافت شود.^۴ بر اساس ماده ۱۷۸ قانون شرکت‌های انگلیس^۵ در صورتی که مشخص شود مدیری از وظایف امانت‌داری^۶ خود تخلف می‌کند راه‌حل‌های جبران تخلف از وظایف عمومی دقیقاً مشابه مواردی است که در حال حاضر به دنبال نقض اصول عادلانه و قوانین عرفی که وظایف عمومی جایگزین آن‌ها می‌شود، موجود است.^۷ لذا مدیر متخلف ممکن است به درخواست استرداد سودی که مدیر در ارتباط با آن تخلف به دست آورده است،^۸ درخواست استرداد اموال،^۹ دستور قضایی مبنی بر جلوگیری از انجام تخلف یا تداوم آن،^{۱۰} فسخ قرارداد^{۱۱} و یا پرداخت خسارات^{۱۲} به شرکتی که در نتیجه تخلف مدیر از وظایفش متحمل ضرر شده باشد،^{۱۳} ملزم گردد.^{۱۴} لازم

1. Foss v Harbottle 67 ER, 189.

2. Companies Act 2006 Section 112

3. Companies Act 2006 Section 260(1)

4. Companies Act 2006 Section 263(2)(3)

5. <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/2006/46/section/178>

6. fiduciary duties

7. <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/2006/46/notes/division/5/30?view=plain>

8. Restitution of profits

9. Restoration of property

10. Injunctive relief

11. Rescission of a contract

12. Damages

13. <https://www.saunders.co.uk/services/commercial-litigation/breach-of-directors-duties/>

14. <https://www.pinsentmasons.com/out-law/guides/remedies-where-there-is-a-breach-of-directors-duties>

به ذکر است که ضمانت اجرای تخطی از وظیفه مراقبت^۱ از سایر وظایف امانت‌داری متفاوت بوده^۲ و صرفاً جبران خسارت مالی به‌عنوان ضمانت اجرای نقض آن در نظر گرفته شده است (Ascrof & Chambers: 1-10)^۳ که برای مطالبه آن، اثبات وقوع ضرر به شرکت و وجود رابطه میان ضرر وارده و تخلف مدیر شرط است.^۴ ضمناً وظیفه مورد اشاره تحت ماده ۱۷۴ به دلیل قانون سلب صلاحیت مدیران شرکت^۵ ۱۹۸۶ و قانون ورشکستگی^۶ ۲۰۰۰ اهمیت ویژه‌ای دارد که به‌طور کلی افراد خاصی را در موقعیت‌های خاص از مشارکت در تشکیل یا مدیریت شرکت‌ها و به‌ویژه مدیران شرکت در آینده برای مدتی از ۲ تا ۱۵ سال از تصدی پست‌های مدیریتی محروم می‌شوند.^{۸۷}

۱. وظایف امانت‌داری مدیران را می‌توان به دو دسته اصلی وظایف مراقبت و وفاداری تقسیم نمود (Practical Law Corporate & Securities, 2023: 7)، البته ارتباط تنگاتنگی میان این دو دسته وظایف وجود دارد که مکمل یکدیگر هستند (Gregory, 2005: 190). دامنه وظیفه امانت‌داری و مصادیق آن بسیار گسترده است و مواد ۱۷۱ تا ۱۷۷ قانون شرکت‌های انگلیس را در بر می‌گیرد. از جمله مصادیق وظیفه امانت‌داری، علاوه بر وظیفه مراقبت می‌توان به تکلیف مدیران به ارتقای موفقیت شرکت بصورت کلی و با حسن‌نیت، قضاوت و تصمیم‌گیری مستقل، عدم پذیرش منافع از اشخاص ثالث، عدم تعارض منافع، عدم انتفاع شخصی و اقدام در چارچوب اختیارات اشاره نمود (Cabrelli, 2008: 3-4). دامنه وظیفه امانت‌داری بسیار گسترده است و طبق اصل ارزش‌گذاری آگاهانه سهام‌داران (Enlightened Shareholder Value) یا (ESV) مندرج در ماده ۱۷۲، یک مفهوم در حاکمیت شرکتی است که هدف آن متعادل‌سازی منافع سهام‌داران با مسئولیت‌های اجتماعی و محیط‌زیستی یک شرکت است (Collison & Others, 2011: 7-8) و علاوه بر منافع سهام‌داران و شرکا که سرمایه اولیه شرکت توسط آن‌ها تأمین و تنها بخشی از واقعیت اقتصادی شرکت هستند (طوسی، ۱۳۹۳: ۲۸۳)، منافع اشخاص مرتبط همانند کارکنان، تأمین‌کنندگان، طلبکاران، محیط‌زیست و جامعه را نیز مورد توجه قرار می‌دهد.

۲. به این موضوع در بند ۲ ماده ۱۷۸ قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ اشاره شده است.

3. <https://www.bto.co.uk/blog/companies-act-2006-director-duties-a-reminder.aspx>

4. <https://lawexplores.com/directors-duties-remedies-and-reliefs-and-director-disqualification/>

5. Directors Disqualification Act 1986

6. Insolvency Act 2000

۷. نام این دسته از افراد جهت اطلاع دیگران طی لیستی معروف به لیست قرمز (red list) منتشر می‌گردد.

۸. به مواد ۶ تا ۱۱ قانون سلب صلاحیت مدیران شرکت مراجعه گردد.

۲. مراقبت، مهارت و کوشش معقول توسط مدیران در حقوق ایران

شرکت‌های تجاری به‌عنوان اشخاصی حقوقی دارای ماهیتی اعتباری بوده که توسط مدیران^۱ اداره می‌شوند (پاسبان و فرهانی، ۱۴۰۱: ۲۲۱). مدیران یکی از ارکان مهم شرکت هستند (حسینی، ۱۳۹۵: ۱۳۹) که بهره‌وری و تعالی شرکت را تضمین می‌نماید (هاشمیان و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶۲) و به‌وسیله سهام‌داران یا شرکا برای دوره زمانی معینی جهت اداره شرکت تعیین می‌شوند (پاسبان و نیک‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۰-۱۱). در حقوق ایران با استناد به مواد ۱۱۴، ۱۲۹ و ۱۴۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت می‌توان گفت که مدیران شرکت‌های تجاری مسئول خسارات ناشی از تقصیر خود هستند (ستوده تهرانی، ۱۳۹۶: ۲۲۲). چنین نگاهی نسبت به تعهدات مدیران و صلاحیت آن‌ها در اداره امور شرکت، موافق قواعد عمومی مسئولیت است (اسکینی، ۱۳۹۲: ۲۱۱)؛ اما با توجه به اهمیت و حساسیت نقش مدیران در اداره شرکت مراجعه به قواعد عمومی مسئولیت، روش بهینه‌ای نیست (سلطانی و غلامی، ۱۳۹۷: ۱۵۱).

در ماده ۱۴۲ ل.ا.ق.ت صرفاً نسبت به تخلف از مقررات قانونی، اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی اشاره شده و به لزوم رعایت مصلحت‌سنجی مدیران و مهارت، مراقبت و کوشش ایشان در اداره امور شرکت در قانون تجارت هیچ‌گونه اشاره‌ای نگردیده است. این ماده نشان می‌دهد که در قانون تجارت ایران صرفاً سعی شده به مسائل بسیار متداول و کلی بسنده شود و از ورود به مسائل جزئی و استثنایی خودداری نموده است. لذا بر اساس قانون تجارت نمی‌توان در صورت نقض وظایف مراقبت، مدیران را مسئول دانست و با توجه به اینکه اداره بد شرکت به این موارد محدود نمی‌گردد، تنها راه‌حلی که به ذهن متبادر می‌گردد این است که ضمن اثبات تقصیر مدیر به قوانین دیگر همانند قانون مدنی و یا فقه مراجعه و مصادیق وظیفه مراقبت، از آن قوانین استنباط و استخراج شود. این در حالی است که یک پرسش جدی در حقوق تجارت و حقوق شرکت‌ها مطرح است که آیا در موارد خلأ قانونی در حوزه تجاری می‌توان به حوزه مدنی و فقه مراجعه کرد یا خیر؟ در خصوص مراجعه به قانون مدنی در زمان خلأ قانونی در حوزه تجاری برخی حقوق‌دانان بر این باورند که قانون مدنی به منزله قانون مادر یا قانون عام، در صورت سکوت یا اجمال قانون تجارت و یا قوانین دیگر در روابط تجاری حکم‌فرماست و

۱. در حقوق انگلیس مدیران را به مدیران اجرایی و غیراجرایی (executive or non executive director)، مدیر انتصابی (nominee director)، مدیر جایگزین (alternative director) و مدیر سایه (shadow director) تقسیم نموده‌اند، ولی تفاوتی میان این مدیران جهت رعایت مصالح و منافع شرکت وجود ندارد.

این نکته را به عنوان یکی از اصول کلی پذیرفته شده در حقوق ایران پذیرفته اند. این گروه معتقدند که در صورت تعارض میان قانون مدنی و قانون تجارت جز در موارد استثنایی (رعایت نظم عمومی) قانون تجارت به عنوان قانون خاص ارجحیت دارد (اسکینی، ۱۳۹۰: ۲۴-۲۵). در خصوص امکان مراجعه به فقه در صورت خلأ قانونی در حوزه تجاری نیز می توان اذعان داشت، مطابق اصل ۱۶۷ قانون اساسی، در صورت نقص و سکوت قانون، قاضی مکلف است با استناد به فقه و منابع معتبر اسلامی نقص قانون را رفع و به پرونده رسیدگی کند.

طبق این اصل، فقه در سکوت و نقص قانون منبع تکمیل کننده حقوق است. در رد دیدگاه طرفداران مراجعه به قوانین دیگر جهت رفع خلأهای قانونی در حوزه تجاری، باید متذکر گردید، دلایل و زمینه هایی که منجر به جداسازی حقوق تجارت از حقوق مدنی شده اند ایجاب می کند که برخلاف دکترین موجود و حتی برخلاف ارجاع صریح برخی از قوانین، قانون مدنی نتواند قانون کارآمدی برای پاسخگویی به موارد خلأ یا ابهام نظام حقوق تجارت ایرانی باشد (سیمایی صراف، ۱۳۹۳: ۳۳). مراجعه به فقه نیز در مسائل مربوط به تجار و حقوق شرکت ها که در دنیای معاصر پای گرفته اند و برگرفته از حقوق کشورهای خارجی است در حقوق فعلی ایران که قانون نوشته بر هر متن دیگری مقدم است، میسر نیست (یزدانیان، ۱۳۸۹: ۸۹). این خلأ قانونی و پیچیدگی در رفع آن آثار نامطلوبی را در پی خواهد داشت که شایسته بررسی دقیق و همه جانبه است. این در حالی است که در ماده ۲۲-۲۲۳ L قانون تجارت فرانسه دامنه مسئولیت مدیران را وسیع تر دانسته و علاوه بر سرپیچی از قوانین موضوعه و تعدی از حدود وظایف مندرج در اساسنامه به ارتکاب تقصیر و سوءمدیریت مدیر نیز اشاره گردیده است (حسینی، ۱۳۹۵: ۱۴۳-۱۴۵) که همین قید می تواند تکلیف مدیران به مهارت، مراقبت و کوشش را نیز در بر گیرد.

۱-۲. مصادیق وظیفه مراقبت در حقوق ایران

در خصوص مهارت مدیران شرکت های تجاری، برخلاف بیشتر کشورهای توسعه یافته، در کشورهای در حال توسعه توجه به سطح مهارت فنی و تخصص نامزدهای تصدی پست های مدیریتی نمی شود و در بیشتر موارد هیچ سیستم ارزیابی رسمی برای انتصاب مدیران وجود ندارد و توجه بسیار کمی به شایستگی ها و صلاحیت های نامزدهای

پست‌های مدیریتی می‌شود.^۱ ایران نیز در خصوص این مهم در وضعیت مناسبی قرار ندارد.^۲ با بررسی قانون تجارت ایران مشخص می‌گردد که قانون‌گذار هیچ ویژگی و مهارت خاصی را جهت انتصاب^۳ سمت مدیریت شرکت‌های تجاری ضروری ندانسته است و با توجه به نبودن قاعده خلاف در لایحه قانونی ۱۳۴۷، اساسنامه شرکت می‌تواند احراز سمت مدیریت در شرکت را موکول به داشتن بعضی توانایی‌ها و تخصص‌ها و یا شایستگی‌ها نماید (اسکینی، ۱۳۹۲: ۱۷۱). البته واژه مهارت را می‌توان در بند (ن) ماده ۲ قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ به عنوان یکی از معیارهای ارزیابی و سنجش عقلایی سیستم اطلاعاتی مطمئن یافت. اما نص صریحی که مدیران را به رعایت مراقبت و داشتن مهارت خاصی ملزم کند، ملاحظه نمی‌شود؛ البته با تمسک به قواعد عام مسئولیت مدنی می‌توان گفت از آنجاکه تکلیف محوری مدیران اداره امور شرکت در چهارچوب مقررات قانونی، مفاد اساسنامه و مصوبات مجامع عمومی است اداره مراقبت و مهارت باید به گونه‌ای تعبیر و اجرا شود که مرتبط با تکلیف یادشده باشد (جنیدی و اکبریان طبری، ۱۳۹۷: ۸۰). بنابراین شایسته است قانون‌گذار همانند بخش‌های دولتی و اداری به سمت مدیریت شرکت‌های تجاری که در جنبه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... به شدت تأثیرگذار هستند نیز توجه نمایند و حداقل شایستگی‌ها و یا مهارت‌هایی را جهت انتصاب سمت مدیریت الزامی بدانند.

شایان ذکر است از مواد ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۴۱، ۱۴۲ و ۱۴۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت می‌توان الزام مدیران به مراقبت را به صورت ضمنی استنباط نمود. بر اساس ماده ۱۴۱، در صورت بروز تهدیدی نسبت به سرمایه شرکت، اگر مدیر شرکت از تهدید آگاه باشد و سهامداران را مطلع نکند، در صورتی که مشکل منجر به آسیب به سرمایه‌گذاری شرکت شود، آن‌ها مرتکب غفلت و سهل‌انگاری در انجام وظایف خویش گردیده‌اند. و یا طبق ماده

۱. به عنوان مقایسه می‌توان به کشور فرانسه اشاره کرد که در آن مدیران در رده‌های بالا بعد از گذراندن دوره‌های تخصصی و کارآموزی‌های سختگیرانه برای پست‌های مدیریتی انتخاب می‌شوند یا در کشورهایی مثل ژاپن و کره جنوبی که سابقه کاری و شایستگی‌های فردی بسیار دقیق در انتصاب مدیران در اولویت قرار دارد و فرآیند انتصاب کاملاً بدون تبعیض و بعد از گذراندن دوره‌های اجباری آموزشی و کارآموزی صورت می‌گیرد (فرهادی نژاد و دیگران، ۱۴۰۱: ۸۶-۸۹).

۲. درخصوص برخی اقدامات صورت گرفته در مورد این مهم در حقوق ایران می‌توان به فصل هشتم قانون مدیریت خدمات کشوری (که ضوابطی با عنوان استقرار نظام شایستگی در آن بیان شده است)، دستورالعمل شماره ۵۷۹۰۹۵ سال ۱۳۹۵ مصوب شورای عالی اداری کشور در رابطه با فرایند انتصاب مدیران، ماده ۵۴ الی ۵۷ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶ اشاره نمود. اما نگاهی به وضعیت کنونی گویای آن است که این قوانین یا به درستی اجرا نمی‌شوند و یا ضمانت اجرایی لازم برای اجرای آن‌ها در کشور وجود ندارد.

۱۴۲ مدیران در زمان وجود شرکت نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساس نامه شرکت با مصوبات مجمع عمومی منفرداً یا مشترکاً مسئول هستند و پس از ورشکستگی و یا انحلال شرکت نیز در صورت عدم کفایت دارایی شرکت هر یک از مدیرانی که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت به نحوی از انحاء معلول تخلفات او بوده باشد منفرداً یا متضامناً به تأدیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن دارایی شرکت ممکن نیست محکوم می گردند. در مواد ۵۸ و ۵۹ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ نیز به نکته مشابهی اشاره شده است که در مواردی که خسارتی به دارایی یا ارزش شرکت وارد شود که موجب کاهش ارزش سهام می شود، مدیر باید تمام صاحبان سهام را برای انعقاد مجمع عمومی دعوت نماید. از ماده ۱۱۴ نیز می توان تخلف از وظیفه مراقبت را استنباط نمود. بر اساس این ماده سهام مدیر شرکت به عنوان وثیقه در برابر آسیب رساندن به شرکت از طریق اتخاذ تصمیمات ضعیف از طرف مدیران اعمال می شود. لذا اگر ثابت شود که مدیری اشتباه کرده است، این سهام توسط دادگاه توقیف شده و به عنوان جبران خسارت وارده توسط مدیران به سهامداران مسترد می شود.

در خصوص استنباط این تکلیف از فقه همان گونه که اشاره گردید مراجعه به فقه در صورت خلأ قانونی در حوزه تجاری که مقررات آن برگرفته از حقوق خارجی است و با موضوعات بسیار پیچیده در سطح فرامرزی مواجه است به لحاظ روش شناختی با تردیدهای اساسی و جدی روبرو است و نمی توان مصادیق و احکام مربوط به آن را در فقه یافت. باین وجود به نظر می رسد که با توجه به برخی قواعد فقهی همچون غبطه که مفهومی همسو با مصلحت دارد، مدیران به عنوان رکنی از ارکان شرکت، ملزم به مراقبت و کوشش در اداره امور شرکت هستند و موظفند به بهترین شکل ممکن در راستای منافع شرکت و به شیوه ای منطقی عمل کنند که یک مدیر مسئول عمل می کند. در این ارزیابی از اینکه یک مدیر چگونه باید عمل کند (استاندارد شخصی، نوعی یا مختلط)، اگرچه فقها به آن اشاره ننموده اند اما باید توجه داشت که برابر اصل تطابق که اصلی عقلایی و با منشأ غلبه است، مصلحت شخصی منطبق بر مصلحت نوعی است (نظری توکلی و داودالموسوی، ۱۴۰۲: ۱۷۸) لذا به نظر می رسد که باید عبارت «به شیوه ای منطقی که یک مدیر مسئول عمل می کند» را بکار برد و این عبارت را به گونه ای تفسیر نمود که یک استاندارد مختلط شخصی و نوعی مراقبت از مدیران به ذهن متبادر گردد.

۲-۲. خلأهای ناشی از فقدان وظیفه مراقبت در قانون تجارت

نخستین ضعف و خلأ قانونی ایران در زمینه لزوم مصلحت‌سنجی مدیران به‌ویژه لزوم رعایت مراقبت، مهارت و کوشش معقول و تعیین دایره شمول و ضمانت اجرای نقض آن مصالح در اداره امور شرکت این است که به دلیل وجود منابع متعدد و همچنین به دلیل مبهم بودن قوانین ایران، در خصوص این موضوع مهم، تعیین تکلیف نشده است. لذا برای بررسی این موضوع و تعیین این وظایف و مصادیق و ضمانت اجرای نقض آن‌ها باید به اساسنامه شرکت، قوانین مختلف و همچنین قواعد و اصول فقهی مراجعه نمود. تکلیف مراجعه به طیف وسیعی از منابع برای استنباط و استخراج یک وظیفه؛ منجر به ارائه نامشخص وظایفی که مدیران به آن متعهد هستند و همچنین درجه قابل توجهی از عدم اطمینان برای همه طرفین می‌گردد. چراکه در حالت ایدئال فقط باید یک منبع قانونی برای مراجعه افراد وجود داشته باشد، در غیر این صورت موجب سردرگمی مدیران، سهامداران، اشخاص ثالث و عدم اطمینان در مورد وظایف مدیران خواهد گردید. مهم‌تر از آن، قضات در نتیجه این پراکندگی و تعدد منابع و بعضاً قدیمی که با زمینه تجاری مدرن بی‌ربط است، تکلیف برای یافتن یک قاعده مرتبط برای صدور حکم در یک پرونده را دارند. اگر قانون شرکت‌ها به‌طور مداوم با در نظر گرفتن موارد جدیدی که در ایران ظاهر می‌شود به‌روز می‌شد، آنگاه تصمیم‌گیری دقیق برای قضات آسان‌تر می‌گردید. علاوه بر این، تفسیر قوانین اسلامی همیشه برای حل اختلافات و مشکلات حقوق شرکت‌ها کافی نیستند.

همچنین طبق ماده ۱۴۲ لایحه اصلاحی، مدیران مسئول هرگونه وظایفی هستند که در اساسنامه مقرر شده است و در حال حاضر تنها راه برای اینکه سهامداران از مسئولیت مدیران در قبال وظایف اطمینان حاصل کنند، درج آن‌ها در اساسنامه شرکت است و هیچ منبع قانونی دیگری در ایران وجود ندارد که مجموعه‌ای کامل از وظایف را تعیین کند. این تفویض وظایف منجر به این می‌شود که هر شرکتی مجموعه وظایف منحصر به فرد خود را داشته باشد و این یک ضعف قابل توجه است، زیرا منجر می‌گردد که مدیران سراسر کشور به سطوح مختلفی از مسئولیت ملزم شوند. جایی که یک مدیر ممکن است در قبال یک تصمیم مسئولیت داشته باشد، ممکن است مدیر مشابه او در شرکت دیگری، مسئول نباشد. این تفاوت در مسئولیت منجر به مشکلات بسیاری برای سهامداران و مدیران می‌گردد. نتیجه این رویه این است که اساسنامه بسیاری از شرکت‌ها به اندازه کافی وظیفه مراقبت را در بر نمی‌گیرند. حتی در صورت قید این مهم در اساسنامه، ممکن است مجموعه وظایف مناسبی لحاظ نشود. به همین دلیل در کشور عدم انسجام در مورد میزان تحمیل وظایف برای مدیران وجود دارد. اساسنامه برخی از شرکت‌ها ممکن

است بر وظایف خاص به جای سایرین تمرکز کند و این منجر به عدم تعادل در پوشش وظایف مختلف و مناسب با نیازهای شرکت می‌شود.

بدون تدوین این مصالح در قانون تجارت، مدیران آزادند که بدون هرگونه مسئولیتی، خسارت قابل توجهی به شرکت وارد کنند. برای سهامداران این یک نگرانی جدی است، زیرا منافع آن‌ها دائماً بدون هیچ‌گونه حمایتی در معرض خطر قرار می‌گیرد و در حال حاضر آن‌ها صرفاً می‌توانند برای حفظ منافع خود تکالیف و وظایف مدیران را در اساسنامه شرکت لحاظ کنند، اما قطعاً افراد زیادی هستند که این کار را انجام نمی‌دهند.

۳. راه‌حل‌های سلب مسئولیت مدیران متخلف

۳-۱. تصویب تصمیمات و اعمال مدیران متخلف توسط سهامداران شرکت^۱

بر اساس ماده ۲۳۹ قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ در صورتی که سهامداران، تصمیمات و اعمال مدیرانی را که مرتکب نقض وظیفه مراقبت شده‌اند تأیید نمایند، آن مدیران از مسئولیت مبری خواهند گردید. با این حال، مدیر متخلف، اگر سهامدار باشد، نمی‌تواند نسبت به موضوعی که باید تصویب شود در رأی‌گیری شرکت نماید. شایان ذکر است، تخلفی که شامل کلاهبرداری مدیر باشد و یا هرگونه تخلفی که منجر به انجام کاری غیرقانونی یا فراتر از اختیارات شرکت شود، قابل تأیید نخواهد بود.^۲

این ماده را می‌توان همان قاعده عدم نفوذ در حقوق ایران است. علت عدم نفوذ عقد غیرنافذ در حقوق ایران، این است که عقد فاقد رضای معتبر شخصی است (کریمی و غنی، ۱۳۹۶: ۱۵-۱۶). لذا این راه‌حل در قانون تجارت ایران نیز قابل اجرا است و جز در برخی موارد استثنایی همانند تأیید اعمال غیرقانونی، کلاهبرداری و یا اعمال و اقداماتی که در صلاحیت خاص مجامع عمومی هستند، در صورت تنفیذ اعمال و تصمیمات مدیران متخلف از سوی سهامداران، مدیران از مسئولیت مبری خواهند گردید. قابل ذکر است که تأیید و تنفیذ و یا عدم تأیید و عدم تنفیذ اقدامات مدیران از سوی سهامداران یا هیئت‌مدیره تأثیری در مقابل اشخاص ثالث ندارد.

1. section 239(CA2006).

2. <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/2006/46/notes>

۲-۳. صلاحدید و دستور دادگاه

بر اساس ماده ۱۱۵۷ قانون شرکت‌های انگلیس که ماده ۷۲۷ قانون ۱۹۸۵ را بدون اصلاح اساسی مجدداً بیان می‌کند، دادگاه مختار است که مدیر را از مسئولیت سهل‌انگاری، قصور،^۱ نقض وظیفه یا خیانت درامانت به صورت کلی و جزئی مبری نماید، در صورتی که تشخیص دهد مدیر صادقانه و معقولانه عمل کرده است و با توجه به تمام شرایط پرونده (از جمله موارد مرتبط با انتصاب او) او باید معذور باشد. مشابه این ماده در قانون تجارت ایران یافت نمی‌گردد و در مواد ۲۴۳ الی ۲۶۹ بخش ۱۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت مربوط به مقررات جزائی چنین اختیار وسیعی به دادگاه‌ها جهت برائت اشخاص قائل نگردیده‌اند.

۳-۳. غرامت یا بیمه

بر اساس ماده ۲۳۲(۱) قانون شرکت‌های انگلیس، مدیر نمی‌تواند از مسئولیت در قبال هرگونه سهل‌انگاری، قصور^۲ و یا تقصیر، نقض وظیفه یا خیانت درامانت توسط او در رابطه با شرکت معاف شود. شرکت مزبور صرفاً می‌تواند بر اساس ماده ۲۳۳، در قبال چنین مسئولیتی برای هر یک از مدیران خود بیمه خریداری^۳ و یا اینکه طبق ماده ۲۳۴ در قبال مسئولیتی که مدیر متخلف در قبال شخص ثالثی دارد، غرامت پرداخت نماید. البته پرداخت غرامت نباید شامل جریمه‌های کیفری، مجازات‌های اعمال شده توسط نهادهای نظارتی، هزینه‌های دفاعی دادرسی کیفری در مواردی که مدیر مجرم شناخته می‌شود، هزینه‌های دفاعی دادرسی مدنی که با موفقیت علیه او انجام شده است، باشد،^۴ البته مدیران بیمه شده ممکن است علاقه کمی به رعایت وظیفه مراقبت داشته باشند، به ویژه اگر حق بیمه را خود پرداخت ننموده باشند (Finch, 1992: 212).

1. negligence

۲. تقصیر عبارت است از «عدم انجام کاری که یک انسان عاقل، با توجه به ملاحظات که معمولاً امور انسانی را تنظیم می‌کند، انجام می‌دهد، یا انجام کاری که یک انسان عاقل انجام نمی‌دهد» (Murisa Mupangavanhu, 2016: 28-29).

۳. این نوع بیمه به بیمه مسئولیت مدیران و سرپرستان (Directors and officers (D&O) liability insurance) معروف است. این بیمه نامه علی‌رغم تأثیرات مثبت و منفی که دارد، سهم قابل توجهی از بازار بیمه‌های مسئولیت اروپا و به ویژه آمریکا را به خود اختصاص داده است و در سال‌های اخیر، تعداد فزاینده‌ای از شرکت‌ها در کشورهای در حال توسعه شروع به خرید این نوع بیمه کرده‌اند (Li & others, 2022: 1).

4. <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/2006/46/notes>

۳-۴. استناد به قاعده قضاوت تجاری

قاعده قضاوت تجاری یک دکترین حقوقی است که به موجب آن، فرض بر این است که مدیران با «حسن نیت»، بدون انگیزه فاسد و با این باور صادقانه که انتخاب او در خدمت بهترین منافع شرکت است (Mallon & Waisman, 2011: 135-140) عمل می کنند و در صورت عدم وجود شواهدی مبنی بر اینکه هیئت مدیره برخی از قوانین رفتاری را آشکارا نقض کرده است، دادگاه ها تصمیمات آن را بررسی یا زیر سؤال نخواهند برد (Cabrelli, 2008: 27-28). این قاعده از ایالات متحده نشئت گرفته و توسعه یافته است (Redmond, 1992: 86-113). پرونده (Smith v Van Gorkom)^۱ بحث برانگیزترین مورد در دهه های پس از جنگ جهانی دوم است. این قاعده منجر به وضعیتی شد که از نظر عملی، یک شاکی باید حداقل رفتار بی احتیاطی را برای جبران خسارت ناشی از نقض وظیفه مراقبت اثبات کند (Steinberg, 1993: 161-162). با این حال قاعده قضاوت تجاری از مدیران در برابر تقلب، معامله شخصی یا سوء رفتار محافظت نمی کند (du Plessis, 2011: 345-350).

در حقوق انگلیس هیچ تلاشی برای معرفی قاعده قضاوت تجاری انجام نشده است، زیرا در انگلستان، رویه قضائی سطح مشابهی از حمایت را برای مدیران فراهم می کند که یک قاعده قضاوت انجام می دهد. این قاعده عمدتاً برای محافظت از مدیران در برابر مسئولیت تصمیماتی است که با نیت خوب بر اساس دانش حرفه ای آنها گرفته می شود. در صورتی که مدیران صادقانه و معقولانه عمل کرده باشند، می توانند به صورت کامل یا جزئی از مسئولیت مبری گردند. با وجود این رویه قضائی، حتی اگر واضح باشد که تصمیم بهترین تصمیمی نیست که مدیر می توانست بگیرد، دادگاه های انگلیسی در مجموع موضع خود را در کنار قضاوت تجاری مدیر نشان داده اند. این موضع دادگاه ها همراه با رویه قضائی به این معنی است که انگلیس هیچ الزامی برای معرفی قانون قضاوت تجاری نداشته است. در حقوق ایران نیز علی رغم اینکه می توان قاعده قضاوت تجاری را جهت حمایت از مدیران در نظام حقوقی ایران از طریق ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت و استقلال مدیران خصوصاً در قضاوت و تصمیم گیری (شهنیایی، ۱۴۰۱: ۵۴۵-۵۴۶) و قاعده استیمان شناسایی نمود اما این قاعده در حقوق شرکت های ایران صراحتاً به رسمیت شناخته نشده است (باریکلو و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۰۱).

1. Smith v. Van Gorkom [1985] 488 A.2d, 858.

نتیجه گیری

وظیفه مراقبت، مهارت و کوشش معقول یکی از اصول اساسی وظایف مدیران در بسیاری از کشورهای جهان است. این وظیفه را می توان یک موضوع اخلاقی توصیف کرد که هر مدیر به عنوان امین و یا وکیل و یا رکنی از ارکان شرکت، باید نسبت به آن پاسخگو باشد. علی رغم اینکه این وظیفه برای رعایت مصلحت شرکت و ارتقای موفقیت شرکت، ضروری است و در حقوق اکثر کشورهای پیشرفته در سطح تجارت جهانی پذیرفته و قوانین و مقرراتی جامع در خصوص آن تدوین گردیده است، لیکن در قانون تجارت ایران، اشاره ای به آن نشده و صرفاً باید با کنکاش در قوانین دیگر سعی در استخراج آن نمود. حقوق شرکت های ایران به میزان کافی برای برآوردن نیازهای زندگی تجاری و عملکرد تجاری، توسعه و تکامل نیافته است و این امر به ویژه در رابطه با قانون رویکرد ساختاریافته وظایف مدیران صادق است. با بررسی های صورت پذیرفته در این پژوهش، به نظر می رسد که وظیفه مراقبت وظیفه ای مهم و شایسته جایگاه در قوانین ایران است. یکی از اساسی ترین جنبه های دارای نوآوری قانون شرکت های انگلیس مصوب ۲۰۰۶، تدوین وظایف عمومی مدیران شرکت برای نخستین بار است. با بررسی این قانون مشخص می گردد که در حقوق انگلیس نه تنها به رعایت مصلحت سنجی مدیران در اداره امور شرکت توجه گردیده، بلکه نسبت به تدوین مقرراتی مدون تحت عنوان وظایف عمومی مدیران اقدام گردیده است. در ماده ۱۷۴ قانون شرکت های ۲۰۰۶ انگلیس و ماده ۲۱۴(۴) قانون توقف و اعسار ۱۹۸۶ به تکلیف مدیران جهت رعایت وظیفه مراقبت در اداره امور شرکت اشاره و به موجب این قوانین دو معیار نوعی و شخصی باید توسط مدیران رعایت گردد.

در مقابل، هیچ بخشی از قانون تجارت و لایحه اصلاح قانون تجارت در ایران، به رعایت مصلحت سنجی و وظایف عمومی مدیران اشاره نکرده است و کلیات این موضوع به چند بند و ماده تقلیل یافته است که برخی در قانون تجارت و برخی دیگر در منابع اسلامی آمده است و به صورت غیرمستقیم به وظایف عمومی مدیران می پردازند. قانون تجارت ایران به روزرسانی نشده است و اصلاحات کمی در آن صورت گرفته است. در این شرایط به دلیل خلأ و نقص قانونی در حوزه تجاری اشخاص به ناچار باید به قوانین دیگر مراجعه و حکم موضوعات را استخراج نمایند. آنچه در این میان چالش برانگیز خواهد بود، مراجعه به قوانین دیگر در صورت خلأ قانونی در حوزه تجاری و استخراج قواعد حقوقی مربوط به آن و رفع خلأهای مربوطه است. دلایل و زمینه هایی که منجر به جداسازی حقوق تجارت از حقوق مدنی شده اند ایجاب می کند که برخلاف دکتترین موجود و حتی

برخلاف ارجاع صریح برخی از قوانین، قانون مدنی نتواند قانون کارآمدی برای پاسخگویی به موارد خلأها یا ابهام نظام حقوق تجارت ایرانی باشد. در خصوص مراجعه به فقه نیز اگرچه مطابق اصل ۱۶۷ قانون اساسی، در صورت نقص و سکوت قانون، قاضی مکلف است با استناد به فقه و منابع معتبر اسلامی نقص قانون را رفع و به پرونده رسیدگی کند. اما موضوعات مربوط به تجار و شرکت‌های تجاری موضوعاتی نو و بدیع هستند که مسبوق به طرح در فقه نیستند. این نقص قانونی و پیچیدگی در رفع خلأهای قانونی نه تنها موجب سردرگمی اشخاص و طولانی گردیدن روند رسیدگی به اختلافات در مراجع قضایی می‌گردند، بلکه تشتت آراء را نیز در پی خواهد داشت.

از نکات قابل تأمل دیگر این است که در حقوق ایران برای مسئول شناختن مدیران، اثبات تقصیر آن‌ها الزامی است و مدیران شرکت‌های تجاری، مسئول خسارات ناشی از تقصیر خود هستند. چنین نگاهی نسبت به تعهدات مدیران و صلاحیت آن‌ها در اداره امور شرکت، موافق قواعد عمومی مسئولیت است؛ اما با توجه به اهمیت و حساسیت نقش مدیران در اداره شرکت مراجعه به قواعد عمومی مسئولیت، روش بهینه‌ای نیست. در حقوق انگلیس نیز مبنای مسئولیت مدیران در خصوص نقص وظایف مراقبت، مهارت و کوشش معقول، غفلت و سهل‌انگاری است که این نوع از مسئولیت نیز مبتنی بر تقصیر است که تأثیر قابل توجهی بر عملکرد مدیران خواهد داشت. البته شرکت‌ها و مدیران می‌توانند جهت رفع و یا کاهش مسئولیت به قاعده قضاوت تجاری استناد و یا نسبت به بیمه نمودن مسئولیت خویش اقدام نمایند. در قانون تجارت ایران، هیچ‌یک از این راه‌حل‌ها برای رفع یا کاهش مسئولیت مدیران پیش‌بینی نگردیده است. لذا جهت رفع چالش‌های این مهم در نظام حقوقی ایران پیشنهاد می‌گردد که وظیفه مراقبت و الزام مدیران به رعایت مصلحت در اداره امور شرکت در بخش شش قانون تجارت (مواد ۱۰۷ تا ۱۴۳) مرقوم گردد و معیار سنجش آن نیز به صورت دقیق مشخص و استاندارد نوعی و شخصی مراقبت در این قسمت به صورت توأمان لحاظ گردد. زیرا اگر استاندارد شخصی مراقبت در مورد این وظیفه اعمال شود، مدیران ایرانی که واجد شرایط یا باتجربه نیستند، می‌توانند به دلیل عدم تجربه یا صلاحیت خود از مسئولیت اجتناب کنند.

این رویکرد یک استاندارد جهانی از وظایف و مصالح را در سراسر ایران ایجاد می‌کند و منجر به افزایش قوام در صدور آراء در برخورد با وظایف مدیران می‌گردد. قضات همچنان می‌توانند قانون را هنگام اعمال آن در پرونده تفسیر کنند، اما اگر همه مدیران مشمول وظایف یکسان باشند، منجر به صدور آراء مشابه خواهد گردید. علاوه بر

این پیشنهاد می‌گردد که در مبحث مربوط به مدیران شرکت‌های تجاری، تلاش گردد تا نسبت به نهادینه نمودن قاعده قضاوت تجاری و الزامی نمودن شرکت‌ها به بیمه مسئولیت مدیران، همان‌گونه که در بسیاری از کشورهای دیگر الزامی دانسته شده است، اقدام گردد؛ چراکه این راه‌حل‌ها در ایجاد حس امنیت برای مدیرانی که با حسن نیت اقدام می‌نمایند بسیار مفید خواهد بود.

فهرست منابع

- اسکینی، ربیعا (۱۳۹۲ش). حقوق تجارت شرکت‌های تجاری، جلد دوم، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات سمت.
- اسکینی، ربیعا (۱۳۹۲ش). حقوق تجارت، کلیات معاملات تجاری، تجار و سازمان‌دهی فعالیت تجاری، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات سمت.
- امینی، عیسی و محمدی‌نژاد، سمیرا (۱۳۹۱ش). «نقش تقصیر در مسئولیت مدنی و مقایسه آن با حقوق کامن‌لا»، تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۱۸.
- باریکلو، علیرضا؛ ساردونی نسب، محمد و میرجلیلی، مهدی (۱۴۰۰ش). «بررسی قاعده اعتبار تصمیم متعارف تجاری مدیران در حقوق حاکم بر شرکت‌ها در امریکا و تطبیق آن با حقوق ایران»، دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی، شماره ۱.
- پاسبان، محمدرضا و فرهانی، رسول (۱۴۰۱ش). «مطالعه تطبیقی مدیران مستقل در حقوق شرکت‌های آمریکا و ایران»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۱۰۲.
- پاسبان، محمدرضا و نیک‌نژاد، جواد (۱۳۹۴ش). «جایگاه حقوقی مدیران در شرکت‌های سهامی»، تحقیقات حقوقی بین‌المللی، شماره ۱۴.
- پوررضائی، علی؛ غریبه، علی و پاشازاده، حسن (۱۴۰۲ش). «قاعده‌گذاری و اهداف آن در قلمروی وظایف عام مدیران شرکت‌های سهامی؛ مطالعه در حقوق ایران و انگلیس»، پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۴۳.
- جنیدی، لعلیا و اکبریان طبری، معصومه (۱۳۹۷ش). «رابطه امانی مدیران در شرکت‌های سهامی: بررسی تطبیقی در حقوق ایران و انگلستان»، مجله حقوق تطبیقی، شماره ۲.
- حسینی، پیمان (۱۳۹۵ش). «مفهوم مدیر عملی و مقایسه مسئولیت او با مدیر قانونی در شرکت‌های تجاری (مطالعه تطبیقی بین حقوق ایران و فرانسه)»، پژوهشنامه حقوق تطبیقی، شماره ۱.
- حسینی، سید احمد؛ محقق احمدآبادی (داماد)، سید مصطفی و عیسائی تفرشی، محمد (۱۴۰۲ش). «نقش حسن‌نیت در مسئولیت متصرف مال غیر با مطالعه تطبیقی در حقوق آلمان، انگلیس و ایران» پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۴.
- حسنی، حسن (۱۳۹۸ش). حقوق تجارت، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- خواجوی، علی؛ سعادت‌ی چشمقان، امیرحسین و دارانی، محمدهادی (۱۴۰۳ش). «بررسی تطبیقی وظایف عمومی مدیران شرکت‌های تجاری در حقوق ایران و انگلستان»، فصلنامه تحقیقات حقوقی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۲۵ش). لغتنامه، جلد دوازدهم، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- رستمی‌نجف آبادی، حامد (۱۴۰۱ش). «واکاوی مفهوم مصلحت و کاربرد آن در مجازات‌های شرعی با نگاهی به قانون مجازات اسلامی»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲۸.
- ستوده‌تهرانی، حسن (۱۳۹۶ش). حقوق تجارت، جلد ۲، تهران: انتشارات دادگستر.

- سلطانی، محمد و غلامی، وحیده (۱۳۹۷ش). «مستولیت مدیران در پرتو قاعده قضاوت حرفه‌ای؛ با تأکید بر نقوق ایالت دلور امریکا». مطالعات حقوقی، شماره ۳.
- سیمایی صراف، حسین (۱۳۹۳ش). حقوق تجارت در عصر جهانی شدن، مجموعه مقالات اهدایی به استاد بهروز اخلاقی، به اهتمام به آذین حبیبی و علیرضا مسعودی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- شهینایی، احمد (۱۴۰۱ش). «تبیین و تحلیل قاعده «حق صلاحید حرفه‌ای مدیران» در حقوق شرکت‌ها با تطبیق مبانی آن در حقوق ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۳.
- طوسی، عباس (۱۳۹۳ش). تحلیل اقتصادی حقوق شرکت‌ها، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، چاپ اول، تهران: انتشارات شهر دانش.
- فرهادی نژاد، محسن؛ لیلی دوست، فاطمه و حسانی، محسن (۱۴۰۱ش). «بررسی وضعیت موجود و ترسیم وضعیت مطلوب نظام انتصاب در سازمان‌های دولتی ایران»، پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی، شماره ۲.
- عیسائی تفرشی، محمد و رمضانی آکردی، حبیب (۱۳۹۲ش). «مفهوم و مسئولیت مدیر سایه در حقوق شرکت‌های تجاری (مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس و ایران)»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۳.
- نظری توکلی، سعید؛ داوودالموسوی، سید حسن (۱۴۰۲ش). «مفهوم غبطه و سازوکارهای تشخیص آن در امور مولی‌علیه»، نشریه فقه و اصول، شماره ۳.
- هاشمیان، فخرالسادات؛ عباسپور، عباس؛ رحیمیان، حمید؛ دلاور و علی؛ غیائی، سعید (۱۳۹۶ش). «شناسایی عوامل مؤثر بر بهبود شایستگی مدیران»، فرایند مدیریت توسعه، شماره ۳، پیاپی ۱۰۱.
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۸ش). «قلمرو فقه در حقوق موضوعه ایران»، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگ، شماره ۲.

References

- Alcock, Alistair (2009). An accidental change to directors' duties?. Company Lawyer, vol.30. <https://salford-repository.worktribe.com/output/1463974/an-accidental-change-to-directors-duties>.
- B.Potter, Kenneth (1971). Directors liability insurance, Alberta law review, vol.ix. 331-346
- Cabrelli, David (2008). The Reform of the Law of Directors' Duties in UK Company Law, PRESENTATION FOR UNIVERSITÀ BOCCONI ON THE REFORM OF THE LAW OF DIRECTORS' DUTIES IN UK COMPANY LAW. <https://www.research.ed.ac.uk/en/publications/the-reform-of-the-law-of-directors-duties-in-uk-company-law>
- Cassim, Farouk HI & Cassim, Maleka & Cassim, Rehana & Jooste, Richard & Shev, Joanne & Jacqueline, Yeats (2012). Contemporary Company Law 2nd.
- Chrysostome Kanamugire, Jean & Vincent Chimuka, Terence (2014). The Directors' Duty to Exercise Care and Skill in Contemporary South African Company Law and the Business Judgment Rule, Mediterranean Journal of Social Sciences, 5(20), 70-78.

- <https://www.researchgate.net/publication/287430953> The Directors' Duty to Exercise Care and Skill in Contemporary South African Company Law and the Business Judgment Rule
- Collison, David & Cross, Stuart & Ferguson, John & Power, David & Stevenson, Lorna. (2011). Shareholder Primacy in UK Corporate Law: An Exploration of the Rationale and Evidence, London: Certified Accountants Educational Trust.
- Corkery, F.J. (1987). Directors' Powers and Duties. Melbourne Australia. Longman Cheshire.
- Davies, John (2007). A Guide to Directors' Responsibilities Under the Companies Act 2006. Certified Accountants Educational Trust, England.
<https://www.accaglobal.com/content/dam/acca/global/PDF-technical/business-law/tech-tp-cdd.pdf>.
- Davies, L.P. and Worthington, S (2012). Gower & Davies: Principles of Modern Company Law. 9th edition, London: Sweet and Maxwell.
- Davies, Paul L (2003) Gower and Davies' Principles of Modern Company Law 7ed (2003) at 433.
- De Cordt, Y (2009). Le statut du dirigeant d'entreprise: Éditions Larcier
- du Plessis, Jean (2011). 'Company Lawyer, Open Sea or Safe Harbour? American, Australian and South African Business Judgment Rules Compared', Springer Science & Business Media (Part 1)
- Finch, Vanessa (1992). Company Directors: Who Cares about Skill and Care?, The Modern Law Review, 55(2), 179-214. <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/pdf/10.1111/j.1468-2230.1992.tb01871.x>
- Golding, Greg (2012). Tightening The Screws On Directors: Care, Delegation And Reliance, UNSW Law Journal, 35(1), 266-290. <https://www.unswlawjournal.unsw.edu.au/wp-content/uploads/2017/09/35-1-6.pdf>
- Gregory, William A (2005). The Fiduciary Duty of Care: A Perversion of Words, Akron Law Review, 38(1), 181-206.
<https://ideaexchange.uakron.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1321&context=akronlawreview>
- H. Farrar, John (2011). Directors Duties of care, Singapore Academy of law journal, 23 SAclg.
- Keay, Andrew (2015). Board Accountability in Corporate Governance, Oxford: Routledge.
- Li, Tianshi; Yang, Tina; Zhu, Jigao (2022). Directors' and Officers' Liability Insurance: Evidence from Independent Directors' Voting, Journal of Banking & Finance, 138(2).
- Longman Dictionary of Contemporary English (2005). 4th edition, England: Pearson Education Limited.
- Mallon, Christopher & Waisman, Shai Y (2011). The Law and Practice of Restructuring in the United Kingdom and US, Oxford: Oxford University Press.
- Maharaj, Nithen (2015). A discussion on the duty of care, skill and diligence to be exercised by a director in light of the Companies Act 71 of 2008, as well as the common law and an overview of the business judgement rule: A company law perspective, Submitted for degree of Master of Laws, coursework masters. University of KwaZulu-Natal, Pietermaritzburg campus.
- mia, md. Suhel (2015). Critically examine the seven general duties of the directors under Company Act 2006.
- Murisa Mupangavanhu, Brighton (2016). DIRECTORS' STANDARDS OF CARE, SKILL, DILIGENCE, AND THE BUSINESS JUDGMENT RULE IN VIEW OF SOUTH AFRICA'S COMPANIES ACT 71 OF 2008: FUTURE IMPLICATIONS FOR CORPORATE GOVERNANCE, thesis presented for the degree of DOCTOR OF PHILOSOPHY, UNIVERSITY OF CAPE TOWN.
- Ramsay, Ian (1992). Directors Who Do Not Direct: The Resurrection of the Marquis of Bute on His Centenary, Commercial Law Quarterly, 6(2), 18-20.
- Redmond, Paul (1992). The Reform of Directors' Duties, UNSW Law Journal, 15.
- Roach, Lee (1999). The Director's Duty of Skill and Care: Has the Law Commission Got it Right?, Business Law Review, 20(51), 1-9. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1754664

- Riley, Christopher A (1999). 'The Company Director's Duty of Care and Skill: The Case for an Onerous but Subjective Standard', Modern Law Review, 62.1.
https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=214149
- shahniaei, ahmad (2022). Explaining and Analyzing the Business Judgment Rule in the Company Law with Comparing Its Rationales to the Iranian Law, Private law studies Quarterly, 52(3), 539-558.
- Steinberg, Marc (1993). The Corporate Law Reform Act 1992', Australian Journal of Corporate Law, 3(2).
- Stevens, Richard (2017). The Legal Nature of the Duty of Care and Skill: Contract or Delict?, University of Stellenbosch, PER/PELJ(20).
- T.Evans, George (1946). The Development of the Doctrine of Stare Decisis and the Extent to Which It Should Be Applied, Denver law review, 23(2), article 3, 32-42
<https://digitalcommons.du.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=5348&context=dlr>
- Zhao, Jingchen (2014). Corporate Social Responsibility in Contemporary China, Cheltenham: Edward Elgar Publishing.
- Internet sources
- Ascroft, Richard & Chambers, Guildhall. "BREACHES OF DIRECTORS' DUTIES", last seen 2024/02/17
- Lewis Silkin LLP (2017). "Directors and their general duties", last seen at 2024/02/12.
<file:///E:/Directors%20and%20their%20general%20duties%20October%202017.pdf>
- Practical Law Corporate & Securities (2013). "Fiduciary Duties of the Board of Directors",
<https://law.stanford.edu/wp-content/uploads/2023/01/Fiduciary-Duties-of-the-Board-of-Directors.pdf>
- <https://www.saunders.co.uk/services/commercial-litigation/breach-of-directors-duties>
- <https://www.pinsentmasons.com/out-law/guides/remedies-where-there-is-a-breach-of-directors-duties>
- <https://www.bto.co.uk/blog/companies-act-2006-director-duties-a-reminder.aspx>
- <https://www.guildhallchambers.co.uk/uploadedFiles/BreachesRA.pdf>
- Eskini, Rabia (2011). Commercial law: Generalities, Commercial Acts, Merchants and the Organization of Commercial Activity. The second volume, the 16th edition, Tehran: Samt Publications. (In Persian)
- Eskini, Rabia (2012). Business rights of commercial companies. the 14th edition, Tehran: Samt Publications. (In Persian)
- Amini, Jesus; Mohammadi-Nejad, Samira (2013). the role of fault in civil liability and its comparison with common law, Azad Legal Research, 5(18), 5-22. (In Persian)
- Bariklou, Alireza; Sardoucinasab, Mohammad; Mirjalili, Mahdi (2021). The Study of the Business Judgment Rule in Americans Corporate Law and its Comparison with Iranian 's Law, Journal of Comparative law, 8(15), 87-110. (In Persian)
- pasban, Mohammad Reza; Farhani, Rasool (2022). A comparative study of independent directors in American and Iranian corporate law. Commercial Research Quarterly, 26(102). (In Persian)
- pasban, Mohammad Reza; Niknejad, Javad (2014). The legal status of managers in joint stock companies. International Legal Research, 4(14), 9-40. (In Persian)
- Joneidi, La'ya; Akbarian Tabari, Masoumeh (2019). Fiduciary Relationship of the Managers in Joint Stock Companies: A Comparative Study in British & Iranian Laws, Journal of comparative law, 5(2), 69-96. (In Persian).
- Hosseini, Peyman (2015). The notion of de facto director and comparison of his liability with a de jure director in the commercial companies (a comparative study of Iran and French law), Research Journal of Comparative Law, 2(1), 106-127. 10.22080/lps.2018. (In Persian)

- hosseini, S. A., mohaghegh ahmadabadi (damad), S. M., & Isaei tafreshi, M. (2023). The Role of Good Faith in the Liability of Non-Owner Possessor through a Comparative Study in German, English, and Iranian Law. *Comparative Studies on Islamic and Western Law*, 10(4), 1-24. doi: 10.22091/csiw.2024.9584.2430(In Persian)
- Hasani, Hassan (2010). Business Law. Second volume, first edition, Tehrsn: Mizan publications.
- Khajoui, Ali; Saadati Cheshmehghan, Amir Hossein; Daraei, Mohammad Hadi (2024), A comparative study of the general duties of managers of commercial companies in Iranian and English law, Quarterly Journal of Legal Research doi: 10.48308/jlr.2024.234720.2677. (In Persian)
- Dehkhoda, Ali Akbar (1946). Dictionary, twelfth volume, Tehran: University of Tehran Printing and Publishing Institute. (In Persian)
- Rostami-Najafabadi, Hamed (1401). Analyzing the concept of expediency and its application in Shariah punishments with a look at the Islamic Penal Code, *Islamic Jurisprudence and Law Studies*, 14(28). (In Persian)
- Sotudeh Tehrani, Hassan (2016). Commercial Law, second volume, Tehran: Dadgstar Publications.
- Soltani, Mohammad & Gholami, Vahidah (2017). Directors 'Liability in Light of Business Judgment Rule, with emphasis on Delaware's Laws, *Legal studies*, 10(3). (In Persian)
- Simaei-Saraf, Hossein; 2014, Commercial Law in the Age of Globalization, a collection of articles dedicated to Professor Behrouz Akhlaqi, edited by Dr. Behaziin Hasibi and Dr. Alireza Masoudi, Tehran: Shahr Danesh Legal Studies and Research Institute. (In Persian)
- shahniaei, A. (2022). Explaining and Analyzing the Business Judgment Rule in the Company Law with Comparing Its Rationales to the Iranian Law. *Law Quarterly*, 52(3), 539-558. doi: 10.22059/jlq.2022.339444.1007654. (In Persian)
- Toosi, Abbas (2013). economic analysis of corporate law, Institute of Legal Studies and Research Publications, first edition, Tehran: Shahr Danesh Publications. (In Persian)
- Farhadinejad, Mohsen; leilidoost, fatemeh; hassani, Mohsen (2022). Examining the current situation and drawing the desired situation of the appointment system in Iranian government organizations, *ORMR*, 12 (2):85-110. (In Persian)
- Ishian-Tafarshi, Mohammad and Ramezani-Akerdi, Habib (2012). The concept and responsibility of the shadow manager in the law of commercial companies (a comparative study in English and Iranian law), *comparative law researches*, 17(3). (In Persian)
- Nazari Tavakkoli, Saeid; Davood al Mousavi, Seyyed Hasan (2023). The concept of Qebteh (expediency) and the mechanisms of its recognition in the affairs of Movalli Aliyyah, *Journal of Fiqh and Usul*, 55(3), 169-191. (In Persian)
- Hashemian, FakhroSadat; Abbaspour, Abbas; Rahimian, Hamid; Delaware, Ali; Ghayashi, Saeed (2016). Identifying Factors Affecting Competency Improvement of Managers, *Development Management Process*, 30(3), Serial 101, 161-184.
- Yazdaniyan, Ali Reza (2012). The Domain of Islamic Jurisprudence in Positive Law of Iran, *Critical research paper of humanities texts and programs*, 10(2), 77-91. (In Persian)